

## مؤلفه‌های انقلابی‌گری، انقلابی‌بودن و انقلابی‌ماندن در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری

رشید رکابیان\*

محمود علی‌پور گرجی\*\*

### چکیده

این مقاله درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که مؤلفه‌های انقلابی‌گری، انقلابی‌بودن و انقلابی‌ماندن در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری کدامند؟ در دیدارهایی که رهبر معظم انقلاب با مردم و مسئولان نظام داشته‌اند، معظّم‌له تأکید ویژه‌ای بر لزوم صیانت از شور انقلابی، حفظ روحیه انقلابی، انقلابی عمل کردن و انقلابی‌گری داشته‌اند. براین اساس با توجه به سؤال تحقیق، در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب پنج مؤلفه عمده برای انقلابی‌گری، انقلابی‌بودن و انقلابی‌ماندن وجود دارد که عبارتند از: پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی، هدف‌گیری مستمر آرمان‌ها و همت بلند برای رسیدن به آنها، پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور، حساسیت در برابر دشمن و تبعیت نکردن از او و تقوای دینی و سیاسی؛ بنابراین با توجه به مولفه‌های مذکور مهمترین تهدید، چالش و آسیب انقلاب اسلامی در بعد از پیروزی انقلاب، انقلاب‌زدایی انقلابیون در شاخصه‌های مذکور می‌باشد.

### واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، انقلابی‌گری، انقلابی‌ماندن، انقلابی‌بودن، مقام معظم رهبری.

### طرح مسئله

هر انقلابی با خود شعارهایی به همراه دارد که پس از پیروزی، با بحران‌های متعددی مواجه است. پشت سر گذراندن بحران‌ها نیاز به مؤلفه‌هایی دارد. براین اساس پس از پیروزی هر انقلابی پرسشی که به ذهن می‌رسد آن است که آیا انقلاب‌ها پایدار خواهند ماند؟ فرجام هر انقلابی چیست؟ و سرنوشت تحولات پس از آن چگونه رقم خواهد خورد؟ تاریخ شاهد وقوع انقلاب‌های متعددی بوده است که نتوانسته‌اند در برابر آسیب‌ها و چالش‌های داخلی و خارجی دوام بیاورند. برای مثال، پس از انقلاب الجزایر، استعمار فرانسه با شیوه‌های جدیدی به این کشور بازگشت یا انقلاب روسیه به دیکتاتوری منجر شد. بنابراین ترمیدور در انقلاب‌ها ایجاد می‌شود. گرچه ترمیدور انقلاب‌ها، امری محتمل است؛ این حرکت براساس اندیشه‌های اسلامی سنتی، حتمی و حرکتی خارج از اراده آدمیان به‌شمار نمی‌آید. شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر، شهید مطهری و بسیاری از محققان قرن حاضر که از دریچه تجددخواهی و روحیه انقلابی به مسائل اجتماعی و فلسفه تاریخ نگریسته‌اند، در استناد به آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا يَقُومُ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد / ۱۱) تغییر تحولات اجتماعی و تاریخی را جبری نخوانده بلکه آنها را وابسته به تغییر انفس آدمیان دانسته‌اند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۲۴۹) انقلاب اسلامی ایران که به گفته نظریه‌پردازان سیاسی، متمایز از همه انقلاب‌ها بوده است، (خرمشاد، ۱۳۸۳: ۹۴) انقلابی مردمی، فرهنگی، دینی و مبتنی بر آموزه‌های الهی بود که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. همان‌گونه که حضرت امام علیه السلام در وصیت‌نامه خود می‌نویسد: «شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه، هم در انگیزه و قیام». (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۳۰)

براین اساس انقلاب اسلامی پس از پیروزی، بحران‌های متعددی را از سر گذراند و توانست بر این بحران‌ها فایق آید؛ این انقلاب با توجه به ماهیتش (جمهوری اسلامی)، نسبت به همه انقلاب‌های دنیا بیشتر مورد توجه است و طبیعتاً دشمنان داخلی و خارجی زیادی داشته و دارد که به دنبال تغییر این انقلاب بوده و هستند. این دشمنی‌ها دلیلی است بر اینکه مقام معظم رهبری بر «انقلابی‌گری»، «انقلابی ماندن» و «انقلابی بودن» جهت تداوم انقلاب، تأکید فراوان داشته باشند. این سه مفهوم دارای مؤلفه‌هایی هستند که بعد از انقلاب اسلامی از سوی معظم‌له بیان شد. در این تحقیق به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود: ۱. به چه کسانی انقلابی گفته می‌شود؟ ۲. دلایل طرح این مفاهیم از سوی مقام معظم رهبری چه بوده است؟ ۳. مؤلفه‌های انقلابی‌گری، انقلابی بودن و انقلابی ماندن کدامند؟ ۴. چگونه می‌توان با پاسخ به این سؤالات از ترمیدور انقلاب جلوگیری نمود؟

### تعریف مفاهیم و چارچوب نظری

#### ۱. مفهوم انقلاب<sup>۱</sup>

انقلاب از واژگانی است که از گذشته دور، هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی، یکی از اصطلاحات نجومی و به معنای «حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان»، «دور» و «گردش» بوده است. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۰) در قرآن کریم نیز این کلمه در دو معنای «رجوع و بازگشت» و «تحول و دگرگون شدن» استعمال شده است. (آل عمران / ۱۴۴، رعد / ۱۱) اروپاییان برای القای معنای نجومی این کلمه از دیرباز، لفظ انقلاب را به کار می‌برده‌اند. از سال ۱۶۶۰ م به بعد، این لفظ در غرب معنای جدید دیگری نیز یافت و برای قیام سریع، پرشور، و همگانی مردم برضد نظام حاکم به کار رفت. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۰) مترجمان فارسی زبان نیز، به پیروی از غربیان، قیام همگانی مردم را برضد نظام حاکم، «انقلاب» نام نهادند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۳)

ساموئل هانتینگتون در تعریف انقلاب می‌گوید:

انقلاب عبارت است از دگرگونی سریع و بنیادی و خشونت‌آمیز داخلی توسط مردم در ارزش‌ها، اسطوره‌های مسلط بر جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های سیاسی دولت. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۳)

به‌هرحال، کلمه «انقلاب» در پهنه علوم انسانی و اجتماعی به دو معنا استعمال می‌شود: یکی به معنای تحول سریع،

1. Revolution.

شدید و بنیادین که بر اثر طغیان عموم مردم در اوضاع و احوال سیاسی جامعه روی می‌دهد و در نتیجه یک نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی جای خود را به نظام دیگری می‌دهد؛ دیگری به معنای تحول شدید و ریشه‌ای و غیرسیاسی که به کندی و بدون خشونت صورت می‌گیرد. (فراتی ۱۳۷۶: ۲۰) مانند انقلاب علمی. در این نوشتار مقصود از واژه «انقلاب» عبارت است از: حرکت مردمی توأم با خشونت در جهت تغییر سریع و بنیادین در ارزش‌ها و باورهای مسلط نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های یک جامعه. (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۸)

## ۲. مفهوم انقلابی بودن

در مورد مفهوم انقلابی بودن سه نظریه وجود دارد:

۱. طرفداران مفهوم تاریخی از انقلابی بودن، می‌گویند: «صرفاً آنهایی انقلابی هستند که از خرداد سال ۴۲ وارد پروسه انقلاب شده‌اند و در پیروزی انقلاب مشارکت داشتند، زندان رفتند، شکنجه شدند و فعالیت کردند تا انقلاب پیروز شود». (لاریجانی، ۱۳۸۶: ۳۴) طبق این دیدگاه کسانی که پس از انقلاب متولد شدند و یا قبل از انقلاب زندان نرفتند انقلابی نیستند. براین اساس طبق دیدگاه مفهوم تاریخی، فقط افراد بالای ۶۰ سال می‌توانند انقلابی باشند که آنها نیز به تدریج می‌روند و بدین‌گونه دفتر انقلابی بودن بسته می‌شود. بنابراین یک تفاوت جدی میان ارائه مفهوم زنده، متحرک و دینامیک از انقلابی بودن با مفهوم تاریخی از انقلابی بودن، که آرام‌آرام مندرس می‌شود، وجود دارد.

۲. تلقی دیگری از مفهوم انقلابی بودن در اظهارات مقامات شاخص سیاسی کشور، گاهی دیده می‌شود و بعضی از رسانه‌ها نیز در این زمینه میدان‌داری می‌کنند. این دیدگاه، انقلابی بودن را با «تندروی»، «پرخاشگری» و «شعار دادن صرف» یکی می‌داند، (لاریجانی، ۱۳۹۴: ۵۶) درحالی‌که طبیعتاً هیچ‌کس نمی‌تواند مردم را به تندخویی و شعار دادن بی‌جهت توصیه کند و این مفهوم نمی‌تواند مفهوم انقلابی بودن از نظر مقام معظم رهبری باشد.

۳. انقلابی بودن، حفظ رابطه خود و عمل خود و پیوستگی خود با انقلاب است. پس «اعتقاد» و «مشارکت» و «حفظ رابطه با انقلاب»، ملاک انقلابی بودن است. البته هر چیزی درجاتی دارد، یک انقلابی کامل کسی است که همه وجودش را وقف این مسیر (اعتقاد، مشارکت و حفظ رابطه با انقلاب) کند و آن را در همه شئون انقلاب پیاده کند. از این‌رو انقلابی بودن زمان ندارد، کهنه نمی‌شود و مربوط به یک دوره نیست. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

مردم ما، قشرهای مختلف ما، جوانهای ما، روحانیون ما، پیشه‌وران ما، دانشگاهیان ما، محققین ما، مسئولان ما، دولتی‌های ما، مجلسی‌های ما باید انقلابی بمانند و انقلابی حرکت بکنند و همه انقلابی باشند تا بتوانیم این راه را با موفقیت پیش برویم و ادامه بدهیم. (بیانات رهبری در مراسم سالگرد رحلت امام، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

## ۳. مفهوم انقلابی‌گری

«انقلابی‌گری» در منظومه فکری رهبر انقلاب چارچوب‌مند بوده و تعریف دارد:

انقلابی‌گری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرت‌ها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، در حقیقت به ممشای انقلابی و اسلامی توجه کرده‌ایم. (بیانات رهبری در دیدار وزیر و کارکنان وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸/۰۵/۳۱)

«عدالت»، «خرد»، «انصاف» و «قاطعیت»، در انقلابی‌گری به یکدیگر پیوند می‌خورند:

انقلابی‌گری برخلاف نظر و تبلیغ برخی‌ها، تندروی نیست بلکه انقلابی‌گری یعنی عادلانه، خردمندانه، دقیق، دلسوزانه، منصفانه، قاطعانه و بدون رودربایستی عمل کردن. (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۴/۰۹)

براین اساس انقلابی‌گر در تعریف رهبر معظم به کسی گفته می‌شود که:

دارای روحیه دفاع از مبانی، ارزش‌ها و اصول انقلاب باشد و کشور را حفظ کند. (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۰۶/۱۸)

بنابراین انقلابی‌گری یعنی مطالبه‌گر اصول و مبانی انقلاب در همه زمان‌ها و دفاع از آن.

#### ۴. انقلابی ماندن

در معنای انقلابی ماندن تعاریف زیادی ارائه شده است؛ از جمله اینکه فرهنگ انقلابی را حفظ کنیم و آن را پرورش دهیم و صادر کنیم. (مصباح یزدی، افکارنیوز، ۱۳۹۵/۱۱/۱۸) یا به معنای اعتماد قلبی و اعتماد زبانی به مبانی و ارزش‌ها و اهداف انقلاب. معظم‌له انقلابی ماندن را به کسانی اطلاق می‌دهد که پایبند به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب و پیاده کردن آنها در جامعه باشند، اعتماد داشته باشند و مشارکت هم بکنند. پس انقلابی‌گری و انقلابی ماندن و انقلابی بودن محدود به زمان خاصی نیست و تاریخ انقضا ندارد.

#### ریشه‌یابی دغدغه مقام معظم رهبری بر انقلابی‌گری، انقلابی ماندن و انقلابی بودن

اما چرا مقام معظم رهبری تأکید زیادی بر گفتمان انقلابی‌گری، انقلابی ماندن و انقلابی بودن دارند؟ و ریشه‌های این دغدغه چیست؟ چرا معظم‌له در این برهه از زمان بر عنصر انقلابی‌گری و انقلابی بودن تأکید می‌کنند؟ برای پاسخ به سؤالات بالا دو علت عمده می‌توان ذکر کرد:

۱. تحریف مبانی انقلاب،

۲. نقش استکبار جهانی در ایجاد بحران‌های متعدد علیه انقلاب اسلامی.

اغلب بعد از پیروزی انقلاب‌ها بین نیروهای انقلابی در انقلابی ماندنشان و انقلابی‌گری‌یشان و انقلابی بودنشان شکاف ایجاد می‌شود. در دهه شصت هم، دو جریان لیبرال و مجاهدین خلق با مبانی و اصول انقلاب مشکل پیدا کردند و این مبانی و اصول را نپذیرفتند. (دارابی، ۱۳۹۵: ۲۳۴) لذا با خارج شدن نیروهای لیبرال و غرب‌گرا و مجاهدین خلق و افرادی که با اصل نظام مشکل داشتند، در درون نیروهای انقلاب یک شکاف فکری و سیاسی درباره اداره دولت و اختیارات دولت بروز داد و البته بعدها به دلیل عدم مرزبندی برخی از این نیروها با نیروهای لیبرال و غرب‌گرا، جنبه فرهنگی و ایدئولوژیک هم پیدا کرد. (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۷۶) ظهور این شکاف با بحران‌های دهه هفتاد و هشتاد، همانند کوی دانشگاه و فتنه سال ۱۳۸۸، بیشتر خود را نمایان کرد که دوری از انقلابی ماندن و عدم انقلابی‌گری، توجه نکردن به شاخص‌های اساسی انقلاب و درک نکردن نیازهای واقعی جامعه، از جمله دلایلی هستند برای شکاف بین نیروهای انقلاب و فاصله گرفتن عده زیادی از مبانی انقلاب. این مسائل سبب شد که بعضی از نخبگان و اپوزیسیون انقلاب اسلامی در داخل و خارج به تحریف مبانی انقلاب پرداخته و انقلابی‌گری را مساوی با افراطی‌گری تفسیر نمایند. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

انگیزه‌هایی برای تحریف شخصیت امام و انقلاب که بزرگ‌ترین هنر امام بزرگوار بود، وجود دارد. می‌دانید که انگیزه‌هایی برای تحریف انقلاب هست و باید حقایق را که در باب انقلاب و امام گفتیم، تکرار کنیم؛ باز هم بگوییم و تکرار کنیم و مجال تحریف را از تحریف‌کنندگان بگیریم. (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

از طرف دیگر، در چهار دهه گذشته استکبار جهانی به طرق مختلف سعی در براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران داشته است. امروزه از طریق «نفوذ»<sup>۱</sup> و «جنگ نرم»<sup>۲</sup> اقدام به دشمنی نموده است. دشمن در پازل «نفوذ» که مرحله جدید «جنگ نرم» علیه ایران اسلامی است، به دنبال این است که با از بین بردن عناصر قدرت نظام، ایران را به «تبعیت»<sup>۳</sup>

1. Penetration.  
2. Soft war.  
3. Following.

بکشاند. به این خاطر معظم‌له می‌فرماید:

تلاش در این جنگ نرم، زمینه‌سازی برای تهی شدن نظام از عناصر قدرت است ... وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ می‌خواهند او را وادار کنند به تبعیت. (بیانات رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶)

پیوستن به جامعه جهانی<sup>۱</sup> را می‌توان اسم رمز<sup>۲</sup> این توطئه دانست. «می‌گویند تا کی می‌خواهید انقلابی باشید، تا کی می‌خواهید مرتب دم از انقلاب بزنید، بیایید جزو جامعه جهانی شوید یعنی ضعیف بشوید، تا ما بتوانیم شما را بی‌لیم». (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۶/۲۵) بعد از انقلاب اسلامی مهم‌ترین نقش را در بحران‌ها، علیه انقلاب اسلامی، استکبار جهانی به رهبری آمریکا ایفا کرده است. آمریکایی‌ها که در ۶۲ کودتا در جهان به صورت رسمی و مشخص نقش داشته‌اند، (مشرق ۱۳۹۵/۵/۲۴) علیه جمهوری اسلامی ایران نیز در بعد از انقلاب به طرق مختلف کودتا (نوژه)، تحریم اقتصادی، تحریم نظامی، جنگ و حمایت از اپوزیسیون و ... نقش داشته‌اند. (برائعی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۹۷ - ۲۸۸) این مسائل سبب شد که مقام معظم رهبری کلید واژه‌های بسیاری با مایه و مضمون «انقلاب» مطرح کنند. منظومه‌ای از مفاهیمی چون «جوان مؤمن انقلابی» (بیانات رهبری در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۵/۳/۳) «هندسه انقلاب اسلامی» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۱۱/۱۴)، «انقلابی ماندن»، «انقلابی فکر کردن» و «انقلابی عمل کردن» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰) و «انقلابی‌گری»، «مهد انقلاب» و «انقلاب‌زدایی». همچنین در مراسم سالگرد حضرت امام در خرداد ۱۳۹۶ بیان داشتند: «انقلابی‌گری را به‌عنوان افراطی‌گری نفی نکنید، زیرا انقلابی‌گری نیاز واقعی کشور و جامعه است». (بیانات رهبری در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت امام خمینی، ۱۳۹۶/۳/۱۴) لذا طرح مفاهیم «انقلابی‌گری»، «انقلابی ماندن»، «انقلابی زیستن» و ... از سوی مقام معظم رهبری، می‌تواند تحرک اجتماعی و سرمایه اجتماعی را در دفاع از انقلاب اسلامی ایجاد کند و ضمانتی برای آن باشد.

#### مؤلفه‌های «انقلابی‌گری»، «انقلابی بودن»، «انقلابی ماندن»

کرین برینتون در کتاب *کالبد شکافی چهار انقلاب* و ادواردز در کتاب *تاریخ طبیعی انقلاب با تعمیم الگوی انقلاب فرانسه* معتقدند که انقلاب‌ها از سه مرحله می‌گذرند: «حکومت میانه‌روها»، «حکومت تندروها» و «دوران ترمیدور». (برینیون، ۱۳۶۶: ۱۰۰ - ۵۰) آن دو نظریه ترمیدور انقلاب را به همه انقلاب‌ها تعمیم می‌دهند. اما در اندیشه اسلامی رفتار جامعه می‌تواند در ترمیدور تغییر ایجاد کند و تغییر رفتار جامعه نسبت به انقلاب در صورتی رخ می‌دهد که نسبت به انقلابی بودن و انقلابی‌گری خود، سست و بی‌انگیزه شوند.

بنابراین حفظ انقلاب اسلامی نیاز به حفظ روحیه انقلابی‌گری و انقلابی ماندن دارد. حفظ روحیه انقلابی‌گری و انقلابی ماندن بین نخبگان و مردم، سبب قدرت دولت و کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌شود؛ چراکه آسیب به انقلاب اسلامی، به گفته حضرت امام علیه السلام، یعنی، سیلی به اسلام است. ایشان می‌فرماید:

اگر خدای نخواست، خدای نخواست، خدای نخواست اسلام در ایران سیلی بخورد بدانید که در همه دنیا سیلی خواهد خورد، و بدانید که به‌زودی دیگر نمی‌تواند سرش را بلند کند. (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۷ / ۳۸۳)

حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است، اگر اسلام را می‌خواهیم باید این جمهوری را حفظش کنیم (همان)

مقام معظم رهبری که بعد از بنیانگذار انقلاب به شایستگی توانستند بحران‌های انقلاب را مدیریت کنند، روحیه انقلابی‌گری، انقلابی بودن، انقلابی ماندن و انقلابی فکر کردن را ضامن تثبیت انقلاب و حفظ انقلاب از گزند حوادث می‌دانند. (بیانات رهبری در سالگرد امام خمینی، ۱۳۹۶/۳/۱۴) بنابراین حفظ انقلاب اسلامی منوط به روحیه «انقلابی‌گری»،

1. The international community.  
2. Watchword.

«انقلابی ماندن»، «انقلابی بودن» و «انقلابی فکر کردن» است که باعث «ادغام سیاسی»<sup>۱</sup>، «اجتماعی کردن سیاست»<sup>۲</sup>، «جهت‌گیری سیاسی»<sup>۳</sup>، «مشارکت سیاسی»<sup>۴</sup>، «مقبولیت نظام سیاسی»<sup>۵</sup>، «بجاد تعادل سیاسی»<sup>۶</sup>، «استحکام نظام سیاسی»<sup>۷</sup> و ... می‌شود که در این مقاله به مؤلفه‌های انقلابی‌گری، انقلابی ماندن و انقلابی بودن در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته می‌شود. این مؤلفه‌ها به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

#### ۱. پایبندی به مبانی، اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی

پایبندی به مبانی انقلاب اسلامی یکی از موضوعات مهمی است که یک فرد انقلابی باید به آن اعتقاد داشته باشد و علاوه بر اعتقاد، در ترویج و نشر آن هم نقش داشته باشد و نسبت به آن ساکت و بی‌تفاوت نباشد، بلکه نسبت به آینده آن فعال باشد به همین دلیل رهبری می‌فرماید:

اصول انقلاب، جهت‌گیری‌های فکری، شاخص‌های اصلی و شعارهای بنیادین انقلاب را مشخص می‌کند. این اصول سلیقه‌ای نیست و از اسلام، قانون اساسی، رهنمودها و وصیت‌نامه امام خمینی اخذ می‌شود. (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰)

اما مبانی، اصول و ارزش‌های انقلاب کدامند؟ شناسنامه هر کشوری قانون اساسی آن کشور است، لذا نیاز به قانون اساسی از ضروریات حکومت‌ها می‌باشد. قانون اساسی در واقع مبانی، اصول و نوع حکومت‌ها را بیان می‌کند. انقلاب اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست. به‌همین دلیل امام خمینی علیه‌السلام در بدو ورود به ایران (۱۳۵۷/۱۱/۱۲)، به هنگام سخنرانی در بهشت زهرا، تشکیل «مجلس مؤسسان» را به مردم وعده داد (امام خمینی، ۱۳۷۳؛ ج ۸ / ص ۵) این مجلس که به مجلس خبرگان قانون اساسی نامگذاری شد، به بررسی و تدوین قانون اساسی اقدام نمود قانون اساسی را در ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل و یک مقدمه و مؤخره به انجام رساند و این قانون در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۱۲ به تصویب نهایی ملت ایران رسید. (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱ / ۳۰) در قانون اساسی نوع حکومت، مبانی آن، اصول و ارزش‌های آن معرفی گردید که بسیار متعددند؛ برای نمونه:

۱. انتخاب نوع حکومت، «جمهوری اسلامی»<sup>۸</sup> است؛ (قانون اساسی اصل اول)
۲. اعتماد و پذیرش ولی فقیه در زمان غیبت (قانون اساسی اصل ۵ و ۱۰۷) که بر پایه اصول دین (توحید، معاد، نبوت، امامت، عدل) است؛ (مدنی، ۱۳۸۴: ۴۰۶)
۳. اتکا به آرای عمومی (همان، اصل ۶)؛
۴. تفکیک قوا. (دهقانی، ۱۳۹۱: ۱۶۰ - ۱۳۰)

براین اساس حکومت اسلامی یکی از مبانی انقلاب اسلامی است. امام یکی از مهم‌ترین اهداف خود و هدف از انقلاب را پایه‌گذاری حکومت اسلامی و حکومت «الله» بر روی کره زمین می‌دانست. حال اگر این هدف در جامعه پیاده شد و مردم به آن پایبند بودند، می‌توان گفت که این شاخص مهم اسلام و انقلاب در جامعه وجود دارد. اما اگر مردم از ارزش‌های اسلامی و اهداف مهم انقلاب و آرمان‌های آن دور شدند، این شاخص مهم بر زمین مانده است و باید علل آن ریشه‌یابی شود. معظم‌له «اسلام» را یکی از مبانی مهم انقلاب اسلامی می‌داند و از اسلام آمریکایی که عده‌ای در داخل و خارج از آن حرف می‌زنند، جدا می‌داند و حفظ آن را از وظایف انقلابیون می‌داند و می‌فرماید:

مبنای اول انقلاب اسلامی، پایبندی به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است. اسلام آمریکایی هم دو شاخه دارد یک شاخه اسلام متحجر و یک شاخه اسلام سکولار .... (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

معظم‌له مبانی و ارزش‌های انقلاب را این‌گونه معرفی می‌کند:

1. Integration politique.
2. Sociolisation politique.
3. Orientation politique.
4. Participation politique.
5. Admissibility system politique.
6. Creation Equipoise politique.
7. Power system politique.
8. Islamic republic.

مؤلفه‌های انقلابی‌گری، انقلابی‌بودن و انقلابی‌ماندن در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری □ ۱۰۱

یکی دیگر از مبانی، محور بودن مردم است که وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه می‌کنیم، ترکیب آن می‌شود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این؛ مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدف‌ها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ اینها مردمی بودن است: رأی مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن مبانی است و به معنای واقعی کلمه باید به این معتقد بود. (همان)

یکی از آن مبانی و ارزش‌های اساسی عبارت است از اعتقاد به پیشرفت، تحول، تکامل، و تعامل با محیط؛ البته با پرهیز از انحراف‌ها و خطاهایی که در این راه ممکن است وجود داشته باشد. حمایت از محرومان یکی دیگر از مبانی و ارزش‌های اساسی نظام اسلامی است. معظم‌له می‌فرماید:

یکی دیگر حمایت از مظلومان است در هر نقطه عالم. اینها ارزش‌های اساسی انقلاب است. از اینها نمی‌شود صرف‌نظر کرد. اگر کسی، کسانی یا جریانی نسبت به محرومین بی‌تفاوت باشد، یا نسبت به مظلومان عالم بی‌تفاوت باشد، این شاخص در او وجود ندارد. (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۳/۱۴)

## ۲. هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها

دومین شاخص انقلابی‌گری، انقلابی بودن و انقلابی ماندن در اندیشه مقام معظم رهبری «هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنهاست». بی‌شک برای رسیدن به اهداف بزرگ، اراده، همت و تلاش مضاعف لازم است و الا هدف گرچه متعالی باشد دست‌نیافتنی خواهد بود. فردی که انقلابی است باید انقلابی هم فکر کند و اهداف انقلاب را در چشم‌انداز آینده نظاره‌گر باشد و به آنها بیندیشد. معظم‌له در این باره می‌فرماید:

شاخص دوم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمان‌های بلند. تسلیم نشویم در مقابل فشارها. البته وقتی شما در راهی می‌روید که دشمنی بر سر راه آن هست، برای شما مانع ایجاد می‌کند؛ اما این بایستی مانع نشود از رفتن شما، از ادامه حرکت شما. تسلیم فشارها نشویم، رضایت به وضع موجود ندهیم که اگر رضایت به وضع موجود دادیم نتیجه‌اش عقب‌گرد است. (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۳/۱۴)

و تأکید می‌کند:

اگر به همین اندازه قانع شویم عقب خواهیم ماند، نه، راه پیشرفت تمام‌شدنی نیست باید رفت تا رسید به آرمان‌های بلند. (همان)

باید ببینیم آرمان‌های انقلاب کدامند؟ تمامی نظام‌های سیاسی آرمان‌هایی را برای چشم‌انداز نظام‌شان در نظر می‌گیرند؛ مثلاً یک نظام، آرمان سیاسی دارد؛ آرمان نظام لیبرال، آزادسازی اقتصادی است. (هلد، مک گرو، ۱۳۸۶: ۴۵) اما آرمان‌های انقلاب اسلامی را در چهار حوزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باید مورد بررسی قرار داد.

۱. آرمان‌های سیاسی انقلاب اسلامی در قانون اساسی آمده است - مثل ایجاد حکومت اسلامی با محوریت ولایت فقیه - و حفظ این آرمان‌ها، نیاز به روحیه انقلابی‌گری و انقلابی ماندن دارد. بنابراین اساس انتخاب حکومت «جمهوری اسلامی» توسط مردم، (اصل ۱) نظام سیاسی کشور را مقید به اصول و موازینی نموده است که هادی جامعه و حاکم بر سلوک و رفتار مردم و زمامداران می‌باشد، که برای مثال رسمیت دین اسلام و مذهب شیعه (اصل ۱۲ - ۱۳ - ۱۴) یکی از این اصول است. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اهداف ما اهداف الهی است؛ حکومت الهی و توحید و رفتن به سمت جامعه حقیقی دینی و حاکمیت احکام الهی است». (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۰۶/۳۱)

۲. اصلی‌ترین آرمان اقتصادی انقلاب اسلامی تحقق عدالت اجتماعی و کاهش شکاف بین فقیر و غنی است. پی‌ریزی

اقتصادی صحیح و عادلانه و تلاش در راه پیشرفت صنعتی و تکنولوژی کشور از آرمان‌های انقلاب اسلامی است. این مسئله از طریق توجه به «اقتصاد مقاومتی» و خودباوری تحقق پیدا می‌کند. اسلام و جمهوری اسلامی برخلاف نظام‌های سرمایه‌داری و یا اشتراکی شکاف طبقاتی را نمی‌پذیرد. (قدیری، ۱۳۵۶: ۷۰۵) در همین راستا اصل سوم قانون اساسی پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه را جهت رفاه و رفع فقر و هر نوع محرومیت مورد تأکید قرار داده است. بسیاری از بیانیه‌ها و اعلامیه‌های سیاسی امام خمینی و مقام معظم رهبری بیانگر آن است که ایران درصدد ایجاد الگویی است که از نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی عبور کند. (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۱۸) اما تبیین ساختار و شکل‌بندی اقتصادی ایران در بعد از انقلاب اسلامی تابعی از ضرورت‌های عمومی ایران محسوب می‌شود. گرچه انگاره‌های اقتصادی در ایران ماهیت عدالت‌گرایانه داشته است، اما از یک‌سو ساختار وابستگی دولت به نفت و وجود تحریم‌های اقتصادی و از سوی دیگر ضعف روحیه انقلابی‌گری، مانع آن شده است که کشور در اقتصاد عدالت‌گرایانه خود به‌طور کامل موفق شود. پس مشکلات اقتصادی کشور و رفع فقر در جامعه به ایجاد روحیه انقلابی‌گری و انقلابی بودن بستگی دارد.

۳. بعد فرهنگی و اجتماعی آرمان‌های انقلاب: انقلاب‌هایی که اصل را بر تربیت «انسان‌های الهی» گذارده‌اند و تأسیس یک جامعه خدایسند را آرمان عالی خود قرار داده‌اند انقلابی تمدن‌ساز خواهند بود. در این انقلاب‌ها فقط تأمین معاش دنیوی و آسایش عمومی ملاک نیست، بلکه غرض اصلی به‌کارگیری این ابزار برای تحقق یک وضعیت متعالی‌تر در درون جامعه می‌باشد و آن اینکه جامعه‌ای صالح و پاک ایجاد شود که افراد در درون آن بتوانند به تکامل معنوی خویش نائل آیند. لذا آرمان‌های فرهنگی - تربیتی عمده‌ترین حوزه تأملات نظری انقلابی‌ها را تشکیل می‌دهد و از این حیث انقلاب اسلامی کاملاً متأثر از رهیافت فرهنگی اسلام است، آنجا که اسلام، خود را دین انسان‌ساز معرفی می‌نماید. بر همین اساس امام، تربیت انسان صالح را در رأس برنامه‌های انقلابی‌اش قرار داده، صریحاً اظهار می‌دارد:

آن قدر که انسان غیرتربیت‌شده مضر است به جوامع، هیچ شیطنانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آن قدر مضر نیست و آن قدر که انسان تربیت‌شده مفید است برای جوامع، هیچ ملائکه‌ای و هیچ موجودی آن قدر مفید نیست. اساس عالم بر تربیت انسان است (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۴ / ۱۰۳)

بعد فرهنگی و اجتماعی آرمان‌های انقلاب خیلی مهم است. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید:

در نظام اسلامی، آن تحولی که به‌وجود می‌آید، صرفاً تحول سیاسی نیست. فرق اساسی نظام الهی با نظام‌های دیگر، همین است. در نظام الهی، انسان‌ها تحول معنوی پیدا می‌کنند. انسان مادی، انسان معنوی و الهی می‌شود و آرزوهای مادی به آرزوهای والای انسانی و خدایی تبدیل می‌گردد. (بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۷/۷/۲۹)

### ۳. پایبندی به استقلال

ویژگی مهم دیگری که مقام معظم رهبری برای انقلابی بودن، انقلابی ماندن و انقلابی‌گری ذکر می‌کند «پایبندی به استقلال» است که شامل استقلال در همه عرصه‌ها می‌شود. لذا یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی، حفظ استقلال کشور و کوتاه کردن دست بیگانگان از این مملکت اسلامی بوده است؛ استقلال به تمام معانی که استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... را شامل می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنَّهُمْ. (مانده / ۵۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! یهودیان و مسیحیان را هم‌پیمانان [و دوستان خود] مگیرید؛ برخی از آنان هم‌پیمانان [و دوستان] برخی [دیگر] اند؛ و هر که از شما با آنان هم‌پیمان [و دوست] شود، پس درحقیقت او از آنان است.

قرآن تأکید می‌کند که عزت و شرافت و بزرگی مخصوص خدا و مؤمنین است. [منافقون / ۸] در آیه‌ای دیگر قرآن می‌فرماید:



مؤلفه‌های انقلابی‌گری، انقلابی‌بودن و انقلابی‌ماندن در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری □ ۱۰۳

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» و خدا هیچ راهی برای [تسلط] کافران بر مؤمنان قرار نداده است. (نساء / ۱۴۱)

همه اینها حاکی از این است که توجه به استقلال و عزت اسلامی، یکی از مهم‌ترین آرمان‌های اسلام، نظام و انقلاب اسلامی است که ریشه‌های آن در قرآن کریم و سنت نبوی و سیره معصومین علیهم‌السلام وجود دارد. تأکید مقام معظم رهبری بر این ویژگی، نشان می‌دهد که آن را بسیار مهم و اساسی می‌داند. ایشان استقلال سیاسی را چنین توضیح می‌دهد:

معنایش این است که ما در زمینه سیاسی فریب نخوریم؛ دشمنی که هدفش این است که دولت‌ها و ملت‌ها را به‌دنبال خود بکشاند، به شیوه‌های مختلفی توسل می‌جوید. این جور نیست که همیشه با تهدید حرف بزنند؛ نه، گاهی هم با تملق حرف می‌زنند؛ گاهی به انسان نامه می‌نویسند که شما بیایید با ما که آمریکا هستیم مسائل جهانی را با مشارکت یکدیگر حل کنیم؛ ... اما باطن قضیه این نیست؛ باطن قضیه این است که او یک نقشه‌ای دارد؛ می‌گوید شما بیا در نقشه من، بیا در آن میدانی که من ترسیم کرده‌ام بازی کن؛ نوع بازی را هم او معین می‌کند. شما بیا این کار را انجام بده تا آن هدفی که برای آن نقشه کشیده شده است، تحقق پیدا بکند. (بیانات رهبری در دیدار با مردم، ۹۵/۳/۱۴)

آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه استقلال فرهنگی می‌فرماید:

استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی راه سبک زندگی اسلامی - ایرانی انتخاب نکنیم. ... تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه مقابل استقلال فرهنگی است. (همان)

اگر یک کشور در زمینه اقتصادی وابسته شد، نمی‌تواند به‌خوبی استقلال سیاسی و فرهنگی خود را حفظ کند. بنابراین استقلال اقتصادی نقش مهمی در حفظ استقلال و عزت یک ملت ایفا می‌کند. رهبر انقلاب اسلامی استقلال اقتصادی را «هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی» تعریف می‌کنند و در مورد ماهیت این اقتصاد چنین توضیح می‌دهند:

آیا اقتصاد جامعه جهانی یک نظم عادلانه و منطقی و عقلایی است؟ ابدأ اقتصادی که نقشه آن را جامعه جهانی کشیده است و مظاهر گوناگون آن در همه دنیا گسترده است، عبارت است از نقشه‌ای و نظامی که سرمایه‌داران عمدتاً صهیونیستی و بعضاً غیرصهیونیستی برای تصرف منابع مالی همه دنیا طراحی کرده‌اند. این نظم جامعه جهانی و اقتصاد جهانی است. اینکه یک کشوری اقتصادش را ادغام کند در اقتصاد جهانی، افتخار نیست؛ این خسارت است، این ضرر است، این شکست است. (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۰۴/۱۳)

البته استقلال اقتصادی با اقتصاد مقاومتی به‌دست می‌آید. معظم‌له می‌فرماید: «استقلال اقتصادی تنها با اقتصاد مقاومتی به‌دست می‌آید». (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۰۴/۱۱) اقتصادی که بر پایه تولید داخلی و تعامل با دیگران و با داشتن روحیه انقلابی باشد. همچنین می‌فرماید:

اگر می‌خواهیم مشکلات این کشور حل بشود، اگر می‌خواهیم این کشور عزت پیدا کند، رفاه پیدا کند، کشوری بشود که از لحاظ پیشرفت‌های مادی و معنوی و اخلاقی و فرهنگی الگو بشود، باید راه انقلاب را ادامه بدهیم؛ انقلاب راه علاج منحصر این کشور بود و هست و در آینده هم خواهد بود. (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۸/۲۶)

#### ۴. حساسیت در برابر دشمن

«حساسیت در برابر دشمن» چهارمین ویژگی است که آیت‌الله خامنه‌ای برای یک فرد انقلابی مطرح کرد. مقام معظم رهبری با الهام گرفتن از آیه شریفه «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» پس، از کافران اطاعت مکن و به‌وسیله آن [قرآن] با جهاد [فرهنگی] بزرگی با آنان مبارزه کن»، (فرقان / ۵۲) یکی از شاخص‌های مهم انقلاب و انقلابی‌ماندن را عدم تبعیت از دشمن نامید و این عدم تبعیت را با الهام از قرآن کریم «جهاد کبیر» معرفی کرد و در تشریح آن فرمود:

دشمن را بشناسیم، نقشه‌های او را تشخیص بدهیم، بر روی کارهای او، حرفهای او، اظهارات او حساس باشیم و در مقابل زهری که او احتمالاً خواهد ریخت، پادزهر فراهم بکنیم و آماده باشیم برای اینکه حرکت او را خنثی بکنیم. این، حساسیت در مقابل دشمن است. (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۳/۱۴)

و می‌فرماید:

بایستی حادثه انقلاب و حقیقت انقلاب، دائم در ذهن و دل ما زنده باشد؛ باقی باشد. جبهه دشمن اتفاقاً روی همین نقطه تکیه دارد. (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۱۱/۱۹)

##### ۵. تقوای دینی و سیاسی

یکی از ویژگی‌های لازم برای یک انقلابی مسلمان، بی‌تردید «تقوای دینی و سیاسی» است که آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان پنجمین مؤلفه انقلابی بودن مطرح کردند. آیات بسیاری از قرآن کریم بر لزوم رعایت تقوای الهی تأکید می‌کنند که مقام معظم رهبری نیز با الهام از آن آیات، تقوای دینی و سیاسی را یکی از شاخصه‌های مهم یک فرد انقلابی می‌داند. اگر همه مردم تقوای الهی را رعایت کنند بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی به راحتی حل می‌شود. قرآن کریم معیار برتری انسان‌ها را تقوای الهی معرفی می‌کند. [حجرات / ۱۵] معظم‌له تقوای سیاسی را نیز یکی از مهم‌ترین موارد تقوا می‌داند و این ویژگی را چنین توضیح می‌دهد:

یک تقوای فردی داریم که من و شما از گناه پرهیز کنیم، خودمان را حفظ کنیم ... خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ این تقوای فردی است. ... تقوای اجتماعی - تقوای اسلامی مربوط به اجتماع - این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم.

ایشان تلاش برای تحقق مطالبات و آرمانهای اسلامی چون عدالت اجتماعی، حمایت از محرومین و مظلومین، مقابله با ظالم و مستکبر را تکلیف دینی و تقوای الهی می‌داند و اضافه می‌کند:

تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده کند، پرهیز بکند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

معظم‌له می‌فرماید:

تقوای سیاسی یعنی هرکس که در کار سیاست است، سعی کند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند. (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۰۵/۰۵)

و می‌فرماید:

تقوای سیاسی، یعنی انسان در میدان سیاست، صادقانه عمل کند. (همان)  
اگر تقوای دینی حاصل شد، تقوای سیاسی نیز حاصل خواهد بود و انسان را در لغزشگاه‌های سیاسی و مسئولیتی حفظ خواهد کرد. (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

##### شرایط و الزامات انقلابی ماندن و انقلابی‌گری

به‌منظور حفظ روحیه و تفکر انقلابی در کشور و بهره‌گیری از برکات آن جهت حل مشکلات، حداقل در سه سطح باید به این تفکر توجه شود:

**الف) توده‌ها:** انقلابی ماندن توده مردم سبب می‌شود تا مسئولان کشور بتوانند به پشتوانه ایستادگی انقلابیون در جامعه، از تصمیمات انقلابی برای حل مشکلات کشور حمایت کنند.

مؤلفه‌های انقلابی‌گری، انقلابی‌بودن و انقلابی‌ماندن در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری □ ۱۰۵

**ب) نخبگان:** اگر نخبگان کشور تفکر انقلابی داشته باشند، هم بر انقلابی‌ماندن مردم تأثیر مثبت می‌گذارند و هم با تصمیم‌سازی به‌موقع مانع فروکش کردن روحیه انقلابی مسئولان می‌شوند.

**ج) دولت مردان:** دولت به‌دلیل ابزارهای وسیعی که در اختیار دارد، تأثیر زیادی در حفظ روحیه انقلابی و حل مشکلات کشور می‌تواند داشته باشد. براین‌اساس تأثیر روحیه انقلابی دولت‌مردان بر برنامه‌ریزی و سیاست‌های دولت در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بسیار مهم است. بنابراین هر سه سطح باید شرایط انقلابی‌ماندن و انقلابی‌گری را داشته باشند.

#### مهم‌ترین شرایط انقلابی‌ماندن و انقلابی‌گری عبارتند از:

۱. توکل به خدا: در آیات و روایات، توکل بر خدا به معنای انجام کار توسط فرد و امید به عنایت خداوند و قطع امید از غیرخداست. «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» و هرکس بر خدا توکل کند، پس او برایش کافی است. (طلاق / ۳) مسائل سیاسی و کلان جامعه نه‌تنها از این قاعده مستثنی نیست، بلکه اهمیت دوچندان دارد. روحیه انقلابی‌گری، توکل بر خدا می‌طلبد نه بر دشمن.

۲. اعتماد به درون: لازمه تحقق استقلال، اعتماد به درون کشور است. اگر روحیه اعتماد به توانمندی‌های داخلی در مسئولین وجود نداشته باشد، ظرفیت‌های داخلی از بین می‌رود و زمینه نفوذ برای بیگانگان فراهم می‌شود. لذا عدم اعتماد به درون، سنخیتی با روحیه و تفکر انقلابی ندارد. رهبر انقلاب نگاه به درون و تکیه بر قدرت داخلی را راه‌حل واقعی مسائل و مشکلات موجود دانستند و خاطر نشان کردند:

اگر ملتی به قدرت و توانایی‌های خود متکی بود از احم یا تحریم دشمن، متلاطم نمی‌شود و ما باید دنبال تحقق این هدف باشیم. (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۸/۱۳)

۳. شجاعت اقدام و عمل: بسیار پیش می‌آید که مسئولین بر صحیح و درست بودن اقدامی یقین دارند ولی ترس از سختی کار و یا هزینه‌های فردی مانع از اقدام و عمل آنها می‌شود. درحالی‌که روحیه انقلابی‌گری نیاز به شجاعت دارد.

۴. بصیرت: یکی از ویژگی‌های مهم یک انقلابی داشتن بصیرت است. مقام معظم رهبری در معنای بصیرت می‌فرماید:

حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیرکردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینایی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود. (بیانات رهبری در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۷/۱۱/۲۸)

نقش بصیرت در شرایط سخت و دشوار فتنه که در آن تشخیص حق و باطل نیازمند بصیرتی نافذ و عمیق می‌باشد و خطر بی‌بصیرتی یا ضعف بصیرت نخبگان و خواص در چنین دوره‌هایی بارها مورد اشاره مقام معظم رهبری قرار گرفته از همان سال‌های نخست دوره زعامتشان دغدغه‌های خود را نسبت به بروز چنین شرایطی اظهار نموده و تأکید «دوران دشوار هر انقلابی، آن دورانی است که حق و باطل در آن ممزوج بشود»، (بیانات رهبری در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۷/۰۸/۱۲)

۵. امیدواری به آینده: امیدواری باید معطوف به حل مشکلات و مسائل کشور در سایه تفکر انقلابی باشد نه ترویج تفکرات لیبرالی و غربی.

۶. نترسیدن از دشمن و تسلیم نشدن در برابر او: از شاخصه‌هایی که مقام معظم رهبری در توصیف روحیه و عمل انقلابی بیان می‌کند، موضوع ایستادگی در مقابل دشمن است. زمانی که دشمن ظاهراً از منابع قدرت برتری برخوردار است و در تحمیل خواسته‌هایش به نتایج مورد انتظارش نمی‌رسد، دست به تهدید می‌زند. این تهدید در حوزه‌های نظامی، امنیتی، سیاسی و حتی اقتصادی است. دارندگان تفکر انقلابی هرگز در مقابل دشمن ضعف از خود نشان نمی‌دهند و با تکیه بر عناصر قدرت داخلی پاسخی محکم به تهدیدات دشمن می‌دهند.

۷. عمل به توصیه‌های ولی فقیه.

۸. بازگو کردن مکرر شعارهای انقلاب.

۹. استخدام افراد و مدیران انقلابی و متعهد در ادارات.

### عوامل و شرایط زایل‌کننده روحیه انقلابی‌گری و انقلابی‌ماندن

عوامل و شرایط زیادی باعث زایل شدن روحیه انقلابی‌گری می‌شود؛ از جمله: فاصله گرفتن از محور ولایت الهی، عقب ماندن از نقش مرجعیت فکری - سیاسی برای جامعه (الگو و حجت ما در امور فکری - سیاسی رهبری است نه احزاب و گروه‌ها)، جایگزین کردن ناهلان و منحرفان به‌عنوان رهبری فکری جامعه، اشرافی‌گری نخبگان و کارگزاران حکومتی و ... اما این عوامل در دو حوزه داخلی و خارجی قابل بحث است.

#### الف) عوامل داخلی زایل‌کننده روحیه انقلابی‌گری

در حوزه داخلی عوامل بسیاری باعث از بین بردن روحیه انقلابی‌گری می‌شود که در این مقاله به چند مورد از آنها اشاره شده است.

۱. رواج سکولاریسم: ترویج اندیشه سکولاریسم برای انقلابی که براساس یگانه‌انگاری دین و سیاست پا گرفته و جوهره آن را برآمدن سیاست از دین تشکیل می‌دهد، سم مهلکی است که به پایه‌های آن آسیب جدی و جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد. از جمله مبانی انقلاب اسلامی استکبارستیزی، ولایت‌محوری، استقلال فکری، سیاسی و ... و محوریت قرار دادن حکومت الهی بوده است، که این مبانی در واقع نفی اندیشه‌های لیبرالیسم و منافع آنها بود. براین اساس برای مقابله با انقلاب اسلامی و مبانی آن اندیشه سکولاریسم را، در بعد از جنگ تحمیلی، برای تحریف انقلاب گسترش دادند.
  ۲. تضعیف اندیشه و روحیه انقلابی: دشمنان انقلاب، انقلابی‌گری را به هرج‌ومرج معنا می‌کنند تا راهی برای شماتت انقلابیون داشته باشند. درحالی‌که انقلابی‌گری یعنی حفظ روحیه عصیان نسبت به زشتی‌ها و اخلاق ناپسندی که موجب سقوط انسان و اجتماع در ورطه خودخواهی و ابتذال و پشت‌پا زدن به اصول می‌شود. دشمنان انقلاب خواستار آرامش و سکونت تا در غفلت ناشی از آن، هواپرستی را حاکم کنند. بنابراین روحیه عصیان برای مقابله با خیانت‌های آنان باید همواره در ما زنده بماند. (میرسلیم، ۱۳۸۷: ۲۳۱)
- مقام معظم رهبری می‌فرماید:

یک دوره‌ای بر ما گذشت که اسم انقلاب و انقلابی‌گری و اینها به انزوا افتاده بود؛ سعی می‌کردند به‌عنوان یک ارزش منفی یا ضدارزش، از این چیزها یاد کنند؛ مقاله می‌نوشتند، حرف می‌زدند، گفته می‌شد. امروز خوشبختانه این‌جور نیست، درست به‌عکس است. گرایش عمومی مردم و مسئولان کشور به حرکت انقلابی، جهت‌گیری انقلابی، ارزش‌های انقلابی و مبانی انقلاب است. (بیانات رهبری ۱۳۹۱/۰۹/۰۲)

۳. ایجاد روحیه اشرافی‌گری در مدیران: اگر زندگی تجملی و روحیه تکاثرطلبی در میان عناصر انقلابی فزونی گیرد و نیروهای انقلابی روحیه خود را از دست دهند، داعیه دفاع از انقلاب و ارزش‌های آن تضعیف می‌شود. این‌خلدون در بحث فرازوفروود تمدن‌ها به این دوران‌ها اشاره می‌کند: دوران ظفر، دوران قدرت، دوره تجمل و فراغت، دوره خرسندی و بالاخره دوره اسراف و تبذیر و انحطاط. در دوران آخر، عصیبت (همبستگی اجتماعی) از بین می‌رود و تن‌آسایی، تجمل و حاکمیت روابط، فزونی می‌گیرد. (این‌خلدون، ۱۳۸۵: ۳۱۷) مقام معظم رهبری می‌فرماید:

اجتناب از اشرافی‌گری یعنی ضدارزش کردن. در انقلاب ما این نکته وجود داشت؛ این را به‌تدریج بعضی‌ها سعی کردند کم‌رنگ کنند. (بیانات رهبری در دیدار با اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴)

۴. تفرقه و اختلاف؛
۵. غلبه نگاه‌های سیاسی و جناحی، بر منافع ملی و مصالح نظام؛
۶. عدم باور به قابلیت‌های تفکر انقلابی در حل مشکلات کشور؛
۷. تعمیم عملکرد سوء برخی از خودی‌های به‌ظاهر انقلابی به سایر نیروهای انقلاب. (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۳۴)

### ب) عوامل خارجی زایل‌کننده روحیه انقلابی‌گری

پیروزی انقلاب اسلامی ضربه سنگینی بر استکبار جهانی به رهبری آمریکا بود. همین مسئله باعث شد که در طی چهار دهه گذشته استکبار به طرق مختلف به مبارزه با انقلاب اسلامی بپردازد تا از این طریق مردم را از انقلاب مأیوس کند. در آمریکا و انگلیس بیش از بیست مؤسسه و اتاق فکر علیه انقلاب اسلامی فعالند؛ (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۴۱ - ۷۱) مثلاً مؤسسه آمریکن اینترپرایز با کمک مؤسسه بروکینگز در سال ۱۹۹۷ طرحی را به نام «پروژه قرن جدید آمریکایی» به تصویب رساندند. هدف از تدوین این پروژه ایجاد سازوکارهای لازم برای ترویج رهبری ایالات متحده در جهان است و همچنین تبدیل قرن ۲۱ به قری که ارزش‌های آمریکایی کاملاً فراگیر شده و هژمونی مطلق آمریکا در حوزه‌های راهبردی مسلط شده باشد. (همان، ۸۸ - ۸۱) راهبرد این اتاق فکرها نفوذ در درون انقلابیون و فعالیت علیه روحیه انقلابی انقلابیون است. براین اساس با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، منازعه نظام جهانی سلطه به رهبری آمریکا با انقلاب اسلامی وارد فاز جدیدی شده است. در طی این چند سال، دشمن با برنامه‌ریزی جهت اثرگذاری و مدیریت ادراک و برداشت مردم ایران و نیز با بسط و توسعه شبکه نفوذ و شبکه همکار خود در داخل کشور، زمینه را برای نرمال‌سازی ایران و تغییر هویت انقلاب تدارک دیده است. به‌همین علت در این شرایط خطیر و پرفتنه، مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های مختلف خود «انقلابی‌گری» را به‌عنوان اصلی‌ترین راهبرد مقابله با تهدیدات، آفات و چالش‌های نظام اسلامی مطرح کردند. تأکید بر روحیه «انقلابی‌گری» و تجلیل از «انقلابی‌ها» طی چند سال اخیر جایگاهی ویژه در ادبیات رهبر معظم پیدا کرده و ایشان به مناسبت‌های مختلف به این موضوع ضریب داده و به تبیین ابعاد و اثرات آن پرداخته‌اند.

اهم فعالیت استکبار جهانی برای از بین بردن روحیه انقلابی‌گری جنگ نرم است. مقام معظم رهبری در تعریف جنگ نرم می‌فرماید: جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم. (۱۳۸۸/۷/۲) جنگ نرم یعنی جنگ به‌وسیله نفوذ، دروغ و شایعه‌پراکنی. (دیدار رهبری با جمع زیادی از بسیجیان کشور، ۱۳۸۸/۷/۲) جنگ نرم یعنی تهاجم به مرزهای ایمانی، عقیدتی و فرهنگی؛ (دیدار رهبری با خانواده‌های شهدای استان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۳) جنگی است برای ناامید ساختن مردم از مبارزه. (دیدار رهبری با کارگران و فرهنگیان کشور به مناسبت روز کارگر و معلم معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۲/۱۳)

اهداف جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از: بی‌اعتقاد کردن نسل نو به دین و اصول انقلابی؛ (دیدار رهبری با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۰ / ۲ / ۱۲) کشاندن نسل جوان جامعه به ابتذال و فساد اخلاقی؛ (دیدار رهبری با اعضای عالی شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱/۳/۱۴) حذف تفکر فعالی که غرب و قلمرو قدرت آن را به خطر انداخته است؛ (دیدار رهبری با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۰/۲/۱۲) تضعیف فرهنگ ملی و اسلامی ایران؛ (دیدار رهبری با فرماندهان گردان‌های عاشورای نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۷۱/۷/۳) منحرف کردن جوان‌های مؤمن از پایبندی متعصبانه به ایمان و باورهای خود (دیدار رهبری با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۱/۲/۱۲) و عوض کردن ذهن مردم از اسلام. (دیدار رهبری با کارگران و فرهنگیان کشور به مناسبت روز کارگر و روز معلم، ۱۳۷۲/۲/۱۲)

### محورهای اساسی مورد حمله نرم دشمنان

۱. آرمان‌های انقلاب، ۲. شعارهای انقلاب، ۳. نهادهای انقلاب، ۴. نمادهای انقلاب، ۵. یاران انقلاب، ۶. دستاوردهای انقلاب، ۷. تلاش جهت تخریب و تضعیف انقلابیون، ۸. تحریف ریشه‌های انقلاب، ۹. تهاجم فرهنگی، ۱۰. ترویج ملی‌گرایی در برابر اسلام، ۱۱. ترویج قومیت‌گرایی، ۱۲. ترویج قومیت‌گرایی.

### نتیجه

این فرمایش امام که فرمود: «تگذارید این انقلاب به‌دست ناهلان و نامحرمان بیفتد»، (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۲۱ / ۹۳) معطوف به حفظ انقلاب اسلامی، و حفظ انقلاب اسلامی منوط به داشتن روحیه انقلابی‌گری، انقلابی‌بودن و انقلابی‌ماندن است. که البته مخاطب این جمله همه آحاد جامعه و نخبگان فکری و ابزاری هستند. اگر انقلاب اسلامی ایران تداوم راه انبیا است (چنین است) و اگر وعده خداوند سبحان که فرمود: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي» (مجادله / ۲۱) و

فرمود: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» (حج / ۴۰) قطعی است، (چه‌اینکه هست) ما، هم در تداوم انقلاب اسلامی که تداوم راه انبیا علیهم‌السلام است، کوشا خواهیم بود و هم چشم امید به امدادهای غیبی خواهیم داشت، چه‌اینکه تاکنون این چنین بوده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۶۴) بنابراین برای اینکه بتوان این انقلاب را با تمام دستاوردهای آن حفظ کرد و آسیب‌های فرآوری آن را پشت سر گذاشت، سخن از وظایف سنگینی به میان می‌آید که بر دوش یک یک ما گذاشته شده است تا این انقلاب به مسیر خود ادامه دهد و از انحراف و یا سقوط مصون ماند. برای حفظ و تداوم نظام اسلامی راهکارهای بقا که همان انقلابی‌گری و انقلابی بودن است را باید شناخت. چراکه خداوند متعال در قبال اعطای هر نعمتی، تکلیفی متناسب با آن برای بندگان مقرر فرموده است. براساس بینش الهی، سراسر عالم هستی، میدان انجام تکلیف و گذراندن امتحانات الهی است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكُمْ أَتَّكُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا [همان] کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارتر است». (ملک / ۳)

نعمت‌هایی که خداوند در این جهان به بندگان عطا می‌کند، وسیله‌ای برای آزمایش آنان است. هر اندازه که نعمت بیشتری در اختیار انسان قرار گیرد، ابزارهای آزمایش نیز افزایش می‌یابد و تکلیف سنگین‌تری متوجه انسان می‌شود. ملت انقلابی ایران که در این دوران، از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی برخوردار گردیده است، بزرگ‌ترین تکلیف تاریخ را هم بر دوش دارد. مطالعه تاریخ نشان می‌دهد که نعمتی به عظمت پیروزی انقلاب اسلامی، در اختیار هیچ پیامبر، امام و مصلحی قرار نگرفته است. با توجه به این وسعت و عظمت نعمت، عظمت تکلیف ملت ایران نیز روشن می‌گردد. هرچند پیروزی انقلاب اسلامی، در واقع در حکم پیروزی اسلام است و براساس آن تکلیف برگردن تمام مسلمانان می‌آید، لیکن بدیهی است که ایرانیان تکلیف ویژه‌ای در این مورد دارند؛ زیرا نقطه‌ای که نور به‌طور مستقیم بر آن می‌تابد، با نقطه‌ای که به‌طور غیرمستقیم در معرض نور است، تفاوت زیادی دارد. نور انقلاب به‌طور مستقیم به جامعه ایران تابید و دیگران نیز به‌طور غیرمستقیم از آن بهره بردند. بنابراین تکلیفی که در قبال پیروزی انقلاب اسلامی متوجه مردم ایران می‌شود، با سایر مسلمانان متفاوت است. تکلیف اقشار مختلف جامعه ایران نیز با یکدیگر تفاوت دارد و باید هرکس وظیفه محوله را در قبال انقلاب انجام دهد. انقلاب اسلامی زمینه‌ای را فراهم ساخت تا در آن، سایر انسان‌ها به‌دست ملت ایران، به رحمت‌های معنوی الهی دست یابند؛ زیرا نور و رحمت اسلام، اختصاص به ملت و نژاد خاصی ندارد و این نور که از ذات اقدس الهی تابیده، برای بهره گرفتن تمام انسان‌ها در طول تاریخ است و هر انسانی حق بهره‌برداری از این نور را دارد. لیکن این حق برای تمام انسان‌ها تحقق پیدا نمی‌کند و طاغوتیان مانع رسیدن این نعمت به انسان‌ها می‌شوند. مبارزه با طاغوت برای این است که راه رسیدن به این نعمت و نور الهی فراهم گردد و موانع از سر راه انسان‌ها برداشته شود. اما علاوه بر رفع موانع، باید به تقویت مقتضی نیز اندیشید و این نور الهی را به اقطار جهان رساند. بنابراین نباید به محض وقوع انقلاب، مردم وظیفه خود را پایان‌یافته قلمداد کنند؛ بلکه بعد از پیروزی نظامی و سیاسی نیز باید حالت بسیج و آمادگی مردم همچنان حفظ و تقویت شود تا به‌وسیله آنان، جمیع مفاسد، کمبودها، و نارسایی‌ها اصلاح و رفع گردد و انقلاب به سرمنزل مقصود برسد. از این رو بر همه مردم واجب است که از این دسیسه‌ها غفلت نورزند و اجازه ندهند تا آثار و نتایج زیان‌بار این فعالیت‌های فرعونیان دامنگیر جامعه و انقلاب شود. لذا انقلابیون دیروز و حاکمان امروز، نباید کسانی را که هنوز شور و گرمای انقلاب را در دل و جان دارند، به تندروی، خیال‌پردازی، آرمان‌گرایی غیرواقع‌بینانه و عدم توجه به مسائل و مشکلات موجود و محدودیت‌هایی که نهاد حکومت و سیاست در میدان تغییر اجتماعی دارد، متهم کنند؛ بلکه همان‌گونه که خداوند متعال پیامبر خویش را از یک‌سو، با نصرت و مدد‌های غیبی خود و از سوی دیگر، به‌وسیله مؤمنان به پیروزی رساند، در این عصر نیز امام خمینی ره راه از یک‌سو، با مدد‌های غیبی، نصرت الهی و عوامل روحی و معنوی و از سوی دیگر، به‌وسیله ملت مسلمانی که ایمان واقعی به اسلام و انقلاب داشتند و طالب رضایت خداوند و برقراری حکومت عدل اسلامی به‌دست امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فی‌الارض بودند، تقویت و تأیید فرمود. به تعبیر مقام معظم رهبری باید با روحیه انقلابی، شرایط به‌وجود آمدن دولت اسلامی را فراهم کنیم و به تعبیر کلام خداوند - «وَلَا تَهْتُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ و اگر شما مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید، درحالی که شما برترید» (آل عمران / ۱۳۹) - حرکت کنیم و برای جلوگیری از انحرافات، باید مراقب بود که شور و نشاط برای تحقق آرمان‌ها رنگ نبرد؛ شور و نشاطی که ارزش‌ها و باورهای انقلابی را مستحکم می‌سازد و پشتوانه‌ای نیرومند برای یک حرکت اجتماعی ایجاد می‌کند.

## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۳، صحیفه امام، ج ۱۵ - ۱۴، ۱۷ و ۲۱، تهران، عروج.
۴. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۶، وصیت‌نامه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ج ۲۰.
۵. براتعلی‌پور، مهدی، ۱۳۹۵، مدیریت بحران سیاسی در فرایند تثبیت انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران، عروج.
۶. برینتون، کرین، ۱۳۶۶، کالبدشکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نو.
۷. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای: <http://farsi.khamenei.ir>
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، بنیان مرصوص امام خمینی در بیان و بنان آیت‌الله جوادی آملی، گردآوری و تنظیم محمدامین شاهجویی، قم، اسراء، ج ۶.
۹. دارابی، علی، ۱۳۹۵، جریان‌شناسی سیاسی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۱۶.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۹۱، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت، ج ۴.
۱۱. قدیری، باقر، ۱۳۵۶، کلیات علم اقتصاد، تهران، سپهر، ج ۳.
۱۲. لاریجانی، محمدجواد، ۱۳۸۶، تدین، حکومت و توسعه، تهران، دانش و اندیشه معاصر.
۱۳. لاریجانی، محمدجواد، ۱۳۹۴، نقش دین‌داری مدرنیسم، تهران، اطلاعات، ج ۴.
۱۴. محمدی، منوچهر، ۱۳۹۱، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر.
۱۵. مصلی‌نژاد، عباس، ۱۳۹۲، سیاستگذاری ساختار قدرت در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. هاشمی، سید محمد، ۱۳۸۷، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ج ۸.
۱۷. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۰، سامان سیاسی در جوامع در حال دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علم.
۱۸. فاضلی‌نیا، نفیسه، ۱۳۸۸، «ایدئولوژی تشبیه، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی»، قم، پانزده خرداد، ش ۹.
۱۹. قدیری، باقر، ۱۳۵۶، کلیات علم اقتصاد، تهران، سپهر، ج ۳.
۲۰. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۰، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، چاپ چهارم و ششم، تهران، امیرکبیر.
۲۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱/انقلاب اسلامی در پرتو آزمون جنگ نرم ۲۰ ساله و فتنه ۱۳۹۱، ۸۱، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۲۲. مصباح یزدی، افکار نیوز، ۱۳۹۵/۱۱/۱۸: [www.afkarnews.ir](http://www.afkarnews.ir)
۲۳. مدنی، جلال‌الدین، ۱۳۸۴، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، امیرکبیر.
۲۴. مشرق، ۹۶/۳/۱۴: [www.mashreghnews.ir](http://www.mashreghnews.ir)
۲۵. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۰، سامان سیاسی در جوامع در حال دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
۲۶. هلند، دیوید، مک‌گرو، آنتونی، ۱۳۸۳، جهانی شدن و مخالفت آن مترجم عرفان ثابتی، تهران، ققنوس.
27. [www.mashreghnews.ir](http://www.mashreghnews.ir)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی